

فضای جنگ در هیچ‌کشوری پسندیده‌نیست

✚ همان چیزی که جمشید (مصطفی زما‌نی) در فیلم به آن اشاره می‌کند؟

بله. می‌گفت به خودم گفتم غلام کشتن اینها شاید تأثیری در روند جنگ هشت‌ساله نداشته باشد. گفت این استراتژی‌ام شده؛استراتژی‌ای که با کمترین تلفات بیشترین خرابی را از عراق بگیرم که همان لجستیک است. غلام زرقانی آرش کمانگیر ما می‌شود، برای پیشگیری از سقوط آبادان در انتهای جنگ و این عین واقعیت است.

✚ گفتگیدی که شخصیت جمشید چگونه شکل گرفت؟ دوستی داشتم به نام جمشید محمودیان که آقای شیخ‌طال‌دی هم یک فیلم براساس او ساخته است. بحث دیدن روح و این داستان‌ها در خاطرات یکی از دیدبان‌ها به نام عزت نصاری آمده بود. او می‌گفت هر کسی را که می‌زد می‌دیدمشی. می‌گفت چندنفر از دوستانم که به شهادت رسیده بودند را می‌دیدم. می‌گفت از جلوی منزلشان که رد می‌شدم آنجا نشسته بودند. بعضی وقت‌ها که از نظر ذهنی گرفتار بودم با آنها درددل می‌کردم.

✚ جمله‌ای جمشید می‌گوید که آخر تمام جنگ‌ها صلح است یا جمله آخر فیلم که می‌گوید زنبور عسل بیسن جانش و خانه‌اش، خانه‌اش را انتخاب می‌کند؛ پایان‌بندی مناسبی بود.ولی در کل نرسیدید این فیلم در گیشه فروش نداشته باشد؟

این فیلم محصول تجاری نیست که با میزان فروش ارزش‌گذاری شود، با این حال اگر اراده‌ای پشت‌اکران خوب برای «ملکه» باشد، معتقدم که از خیلی آثار تجاری فروش بهتری می‌کند. چنین فیلمی یک سند تاریخی است دقتی که در بازسازی فضاها و آفرینش جزئیات در فیلم شده کم‌نظیر است و برای نسل‌های بعدی باقی خواهد ماند. برای این فیلم و فیلم‌های مشابه، آیندگانی از راه خواهند آمد که نگاهشان سیاست‌زده و بیمار نیست. آن روز دوره ما به تاریخ پیوسته است و دفاع ایرانیان از کشورشان، عزیز و بزرگ داشته خواهد شد. تازه، شما بگویید که مگر قانونی برای فیلم پرفروش در ایران وجود دارد و آیت‌هایی که دوستان برای فیلم پرفروش در نظر می‌گیرند می‌فروشند؟ فیلم‌های اکران نوروزی اسمال را بررسی کنید. کدام فیلم نسبت به هزینه‌ای که کرده توانسته خوب بفروشد؟ آیا مگر فیلم‌هایی که ساخته شده‌اند، ستاره نشده‌اند و تهیه‌کننده سینما پشتش نبوده، خب چرا نفروخته؟ طنز هم بوده ولی چرا فروش نکرده؟ ولی چرا فیلم «ملکه» به عنوان بر‌گزیده تماشاگران در جشنواره فجر در بخش بین‌الملل انتخاب می‌شود؟ این فیلم که از آن قانون‌ها پیروی نمی‌کند در سینمای جهان هم فیلم‌های تاریخ‌سازی مثل اینک آخر‌الزمان، غلام تمام فلزی، تلفات جنگ، جوخه، متولد چهارم ژوئیه و بسیاری دیگر صرفا برای گیشه ساخته نشده‌اند.

✚ چطور آقای علیزاده را راضی کردید که موسیقی فیلم را بسازد؟

استاد علیزاده را راضی نکردیم، به استاد علیزاده پیشنهاد دادیم و استاد پذیرفتند. وقتی فیلمنامه را از طریق آقای سعید ملکان به ایشان دادیم، به آبادان آمدند و چهار روز میهمان ما بودند. جزء به جزء لوکیشن‌ها را دیدند و فضای بالاشنگاه و اوژنودر را دیدند. سسر سکاس‌های زنبور از نزدیک شاهد بود که چطور کلونی زنبورها را قبلا آماده کرده بودیم. بچه‌ها اول از نیش زنبورها می‌ترسیدند اما جالب بود مانند همان که در فیلم گفته می‌شود، هیچ‌کدام از آنها به کسی آسیب نمی‌رساندند. وقتی به خانه زنبور حمله کنی در برابرش می‌ایستد. همه ما دور زنبورها بودیم. آقای علیزاده از این فضاها خیلی لذت برد. حسلات متعددی در مورد تدوین و صداگذاری با آقای علیزاده داشتیم و در مورد فیلم و موسیقی گپ می‌زدیم. از زمانی که ایشان به آبادان آمد، چیزی که از موسیقی در ذهن من بود را می‌پرسید. ایشان تقریبا ۱۰ تا ۱۰ ماه روی موسیقی زمان گذاشتند. تا این حد تباطل نظر جدی در حوزه موسیقی بین ما وجود داشت. فکر می‌کنم که موسیقی متفاوتی برای ملکه ساخته که با دیگر آثار سینمایی ایشان فرق دارد. موسیقی ملکه فضایی ارکسترال دارد که چندان در آثار حسین علیزاده پروشمار نیست. تا آنجایی که من در ذهن دارم، ایشان ارکستر را برای «بینوا» و قطعاتی در موسیقی فیلم «دشندگان» به کار گرفته‌اند. به نظر تجربه خوبی بود و طرح کار بعدی را با ایشان در میان گذاشتم.

✚ بالاخره پاسخ اصلی‌تان به منتقدان محتوایی فیلم «ملکه» چیست؟

یک خاتمی که خود سینماگر است و در یکی از جشنواره‌ها به عنوان داور به «ملکه» رای منفی داده بود به من گفت: چرا در فیلم می‌گویید مغناطیس جو روی گلوله‌های اسرائیلی تأثیر ندارد؟ گفتیم باه، هوا، رطوبت، گرما، گلوله را جابه‌جا می‌کند و جو زمین هم مغناطیسی دارد که متغیر است. گلوله‌های اسرائیلی همه اینها را رد می‌کند، اما این موارد روی گلوله‌های روسی تأثیر می‌گذارد. او گفت چرا شما نگفتید ما موشک ساختیم؟ گفتیم فیلم من در زمان سال ۱۳۶۶-۷ اتفاق می‌افتد. الان ۱۳۹۱ است. آن زمان که موشک نداشتیم و چیزی به فضا نرساده بودیم، آن زمان که ما تانک ساخته بودیم. گفتیم من در حوزه درونی انسان‌ها کار می‌کنم. لطفاً پا در کشش همدیگر نکنیم. گفتیم چرا فکر می‌کنید یک رزمنده نمی‌تواند دچار تردید شود؟ آنقدر خدا در حوزه استقامت تصاویر روایی می‌آورد که در حوزه‌های دیگر این کار را انجام نمی‌دهد. همیشه می‌گوید اگر بمانی و استقامت کنی پادشای می‌گیری و استقامت تنها محدود به وضع جنگی نیست. در مورد دفاع هم خدا می‌گوید شهید تا بد زنده‌است، به ایشان گفتیم از میان تمام رزمنده‌های این فیلم یک نفر دچار تردید می‌شود. چرا از سیف‌الله، ساهی، امجد و موسی… صحبت نمی‌کنی؟ گفتیم یک رزمنده تردید می‌کند، نگران هستی؟ اما من همین جا از منتقدان تشکر می‌کنم. جشن منتقدان نشان داد که این فیلم در دل منتقدان جای گرفته و به نظریم یک رکورد بود که در ۱۲ رشته نامزد شد.



رسول صدراعاملی

فیلم ساختن برای نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری وسوسه‌انگیز است. چون از یک‌سو با کسی مواجه می‌شود که قرار است در آینده نفر دوم کشور شود، پس نزدیک شدن به او و شناختش موقعیت چالش‌برانگیزی را برای فیلمساز فراهم می‌کند. از سوی دیگر به دلیل فرصت کوتاهی که در اختیار کارگردان قرار می‌گیرد، ناگزیر است در یک موقعیت و شرایط تعریف‌شده به خلاقیت دست بزند تا بتواند دل مخاطبانی را که از قبل نسبت به مسایل پیشداوری دارند، به‌دست بیاورد و همین‌طور ذهنشان را درگیر کند. پس در این مسیر هم سوز و هم مخاطبان سوز، فیلمساز را در یک موقعیت خطر قرار می‌دهند. حال اگر فیلمساز بتواند از طریق شناختی که نسبت به جامعه‌اش پیدا کرده، ظرافت‌های رفتار و سخنان نامزد انتخابات را به تصویر بکشد تا وجوه ناشناخت‌اش برای مخاطبان روشن شود، برگ

سال ۱۳۷۶

کاندیدا

- سیدمحمد خاتمی
- علی‌اکبر ناطق‌نوری
- محمد محمدی‌ری‌شهری
- سیدرضا زوارهای

فیلمساز

- سیف‌الله داد، بهروز افخمی
- بهزاد بهزادپور
- یوسف مناجاتی، حسین فردرو
- کار گرهی / رسول صدراعاملی

سال ۱۳۸۰

کاندیدا

- سیدمحمد خاتمی
- احمد توکلی
- علی شمعانی
- عبدالله جاسمی
- حسن غفوری‌فرد
- محمود کاشانی

فیلمساز

- احمدرضا درویش
- ضیاءالدین دری، اکبر نبوی
- مجید مجیدی و سیف‌الله داد
- فرجاد
- سعید ابروطالب
- مرآنی یا مدیریت محمود کاشانی

فرانک آرتا: ۳۰ روز به زمان رای‌گیری یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری مانده است و طبعاً هر نامزدی قصد دارد از طریق تبلیغات، پیام‌ها و نیت خود را در معرض قضاوت مردم قرار دهد. بدون شک ساخت «فیلم تبلیغاتی» گزینه مناسبی برای نمایش اقتدار نامزدها با توجه به برنامه‌هایشان در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران است. اما بد نیست بدانیم که درست است ساخت فیلم‌های تبلیغاتی برای کاندیداهای ریاست‌جمهوری از سال ۱۳۷۶ در ایران باب شد ولی در جهان این مساله مسبوق به سابقه است. حتماً عنوان فیلم «پیروزی اراده» برای علاقه‌مندان به تاریخ سینما آشناست. فیلمی که لقب مهم‌ترین فیلم تبلیغاتی جهان نام گرفت. فیلم مستند «پیروزی اراده» توسط لنی ریفنشتال در حمایت از کنگره حزب نازی آلمان در سال ۱۹۳۴ ساخته شد و در عرصه فیلمسازی مملو از نوآوری بود. به‌طور مثال صحنه پیاده شدن هیتلر از هواپیما که در بک‌گراند تصویر ابرهای سفید او را دربرمی‌گیرند، بسیار معروف است. گویی از آسمان به زمین آمده و در ادامه در میان تشویق حضار و استقبال پرشور مردم غرق می‌شود. همین تصاویر، آدولف هیتلر را به شمایی مقتدر و نجات‌دهنده تبدیل کرد و تأثیر فیلم آنقدر زیاد بود که ارتش نازی توانست به‌راحتی لهستان را در سال ۱۹۳۹ تسخیر کند و به یکی از ابراهای تبلیغاتی برای آغاز جنگی ویرانگر در کل جهان یعنی جنگ جهانی دوم، تبدیل شد. هرچند که این فیلم، تمام‌عیار مفهوم «سینما در خدمت فاشیسم» را ندایی می‌کند ولی یادآور این نکته مهم است که سینما چقدر می‌تواند در خدمت اهداف سیاستمداران باشد و تأثیرات آن غیرقابل توصیف است. به‌طوری که امروزه همگان می‌دانند دنیای سینما یکی از رسانه‌های تبلیغاتی مهم محسوب می‌شود. حتی در این مسیر فیلمسازان بزرگ دست به کار شدند تا در دوره‌ترین زمان مهم‌ترین حرف‌ها را به تصویر بکشند و برای هر چه هنری‌تر و خلاقانه‌تر شدن فیلم تبلیغاتی می‌کوشند. این حرکت برای نخستین‌بار در ایران در هفتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری (۱۳۷۶) اتفاق افتاد: زنده‌باد سیف‌الله داد بعد از ساخت فیلم موفق «بازمانده» کارگردانی فیلم تبلیغاتی سیدمحمد خاتمی را به عهده گرفت. تصویری از محمد خاتمی با عبا و عمامه مشکی که با نورپردازی ملایم و البته شفاف چهره‌اش و گلدان گل در جلوی کادر در یادها باقی ماند. البته برای ساخت این فیلم تبلیغاتی در کنار «داد» فیلمسازانی نظیر بهروز افخمی و احمد مرادیور نیز حضور داشتند. در آن سال فیلم رقیب سیدمحمد خاتمی، علی‌اکبر ناطق‌نوری را بهزاد

برنده در دست اوست. به‌خاطر می‌آورم در سال ۱۳۸۴ توسط آقای فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب، دعوت شدم که برای آقای هاشمی‌رفسنجانی فیلم تبلیغاتی بسازم. من هم بیشتر به‌خاطر کسب تجربه و کنجکاو بودنم دعوت ایشان را قبول کردم. ولی یک هفته بیشتر فرصت نداشتم. موضوع فیلم هم نشست صمیمی جولان با آقای هاشمی بود. باید سعی می‌کردم بداهه‌گویی‌ها و برخورد‌های طبیعی ماجرا را به‌دور از هرگونه تصنع به تصویر بکشم. تا برای مخاطب باورپذیر شود. البته چون می‌دانستم که آقای هاشمی آن زمان مثل حالا به‌دلیل پایبندی به انقلاب و آرمان‌هایش وارد انتخابات شدند و برایم احترام‌انگیز بوده و هستند، پس باید تلاشی می‌کردم که آن حالات و حس در فیلم منتقل شود. جالب است که فقط یک روز فرصت فیلمبرداری داشتم و باید تمام توانم را به کار می‌بستم تا مشکلی به وجود نیاید. در این بازه زمانی پیش از فیلمبرداری فقط توانستم نوبت صحبت کردن و طرز قرار گرفتن سوال کنندگان را هماهنگ کنم؛ بدون اینکه روی نوع سوالات

صندوق خاکستری

تغییر در نوع تبلیغات برای نامزدها

دخالتی داشته باشم. با وجود فرصت محدود برای این فیلم تبلیغاتی، حدود پنج‌ونیم‌میلیون تومان هزینه داشت که ستاد انتخابات هم تنها همان مبلغ را پرداخت کرد و من هم دستمزدی نگرفتم. به هر شکل فیلمبرداری انجام شد و نکته مهم این بود که آنقدر فرصت کم بود که همکاران ستاد انتخابات، فیلم را به‌صورت «اف‌کات» در تلویزیون پخش کردند. با کسب این تجربه خیلی چیزها آموختم، ولی همچنان دوست دارم فیلم‌های خودم را بسازم و تمایل تکرار چنین تجربه‌ای را دیگر ندارم. دیگر اینکه به این نتیجه رسیدم نوع تبلیغات برای نامزدها در این زمان با آن هشت سال قبل فرق می‌کند. امروز به‌دلیل وجود دنیای مجازی حجم اطلاعاتی که مخاطبان دریافت می‌کنند خیلی بیشتر از فیلم تبلیغاتی است که ساخته می‌شود. ضمن اینکه معتقدم فردی مثل آقای هاشمی احتیاجی به فیلم تبلیغاتی ندارند. چون برای جامعه شناخته‌شده هستند و مردم با تأثیرات ایشان به‌طور عملی آشنا هستند.

✚ کارگردان و سازنده فیلم انتخاباتی «اکبر هاشمی‌رفسنجانی» در سال ۱۳۸۴

سال ۱۳۸۴

کاندیدا

- محمدباقر قالیباف
- اکبر هاشمی‌رفسنجانی
- علی لاریجانی
- محسن رضایی
- مهدی کروبی
- محمود احمدی‌نژاد

فیلمساز

- احمدرضا درویش
- کمال تبریزی
- مهدی فخیم‌زاده
- رسول ملاقلی‌پور
- بهروز افخمی
- جواد شمقدری

سال ۱۳۸۸

کاندیدا

- میرحسین موسوی
- مهدی کروبی
- محمود احمدی‌نژاد
- محسن رضایی

فیلمساز

- مجید مجیدی
- احمدرضا درویش
- علی معلم
- سیدضیاءالدین دری، بهروز افخمی
- جواد شمقدری
- محمدعلی قارسی

جالب این بود که برای نخستین‌بار روی چهره سوزۀ فیلم تأکید شد؛ تصویری جذاب با چشمان لرز گذشته محمدباقر قالیباف، با لباسی سفید به تن. تصاویر، گویای این نکته بودند که نامزدی، علاوه بر اینکه واجد توانایی‌های اجرایی است و سابقه حضور در جبهه‌های جنگ داشته، به ظاهر و لباس خود هم اهمیت می‌دهد و خلبانی ماهر هم هست. چیزی که برخلاف همتایان غربی تا آن زمان مورد توجه سیاستمداران ایرانی نبود. فیلم تبلیغاتی محسن رضایی توسط زنده‌باد رسول ملاقلی‌پور کارگردانی شد. یکی از جذاب‌ترین بخش‌های فیلم مربوط به گفت‌وگوی دونفره فیلمساز و محسن رضایی بود. هرچنان فیلمساز هنگام صحبت کردن به سوزۀ فیلم هم منتقل شد و اقرار گرفتن‌های رسول ملاقلی‌پور و قسم‌خوردن‌های محسن رضایی در پی سوالات صریح-مجر- فیلمساز در یادها باقی ماند. فیلم‌های تبلیغاتی بهروز افخمی در معرفی مهدی کروبی در دو دوره بیشتر شبیه فیلم‌های آوانگارد بود و تلاش می‌کرد پیامش را از طریق حضور افراد سیاسی و سخنانی که تا آن موقع در تریبون‌های رسمی شنیده نمی‌شد به مخاطب میلیونی آن زمان تلویزیون منتقل کند. اما نریشن معروف اکبر هاشمی‌رفسنجانی در فیلم کمال تبریزی و بعضی‌هایش در بیان کلیات، این‌بار راویات فیلم را از سوم‌شخص به اول‌شخص منتقل کرد. طرافت‌های تصویری و به‌اصطلاح بازی گرفتن از اکبر هاشمی توانایی‌های کمال تبریزی را در ساخت فیلم تبلیغاتی به نمایش گذاشت کسی که پیش از آن برای ساخت فیلم «مارمولک» بحران‌های زیادی را پشت‌سر گذاشته بود. اما در این میان جواد شمقدری از همه فیلمسازان موفق‌تر بود. موفق‌تر از این نظر که کاندیدای مورنظر فیلمش راهی ساختمان پاستور شد. نکته مهم هر دو فیلم شمقدری سادگی محمود احمدی‌نژاد بود. سادگی در رفتار، گفتار و حتی لباس پوشیدن. زنده‌باد سیف‌الله داد و جواد شمقدری دو فیلمساز بودند که پس از ساخت فیلم‌های انتخاباتی با برنده شدن کاندیداهایشان راهی خیابان کمال‌الملک شدند و سکان سینمای کشور را به دست گرفتند.

در دهمین دوره ریاست‌جمهوری بار دیگر بهروز افخمی فیلم تبلیغاتی مهدی کروبی را ساخت. جواد شمقدری فیلم محمود احمدی‌نژاد، محمدعلی قارسی، فیلم محسن رضایی و مجید مجیدی و احمدرضا درویش فیلم میرحسین موسوی را ساختند. هر چهار فیلم روی شعارهای کاندیداهای تأثیرشان بر جامعه ایران و به‌خصوص جوانان تأکید می‌کرد.

پیشنهاد روز

نیم‌قرن نقاشی «شکیبا» در فرهنگسرای نیاوران

شرق: نیم‌قرن نقاشی‌های «حجت شکیبا» که ارایه نقاشی‌هایش در هزارستان، کمال‌الملک و دلشدگان زنده‌باد «علی حاتمی» در حافظه جامعه هنری ایران ماندگار شده است، در گالری سه‌طبقه فرهنگسرای نیاوران مرور می‌شود. عصر جمعه ۲۷ اردیبهشت ۹۲، نمایشگاه نیم‌قرن نقاشی‌های حجت شکیبا با نمایش حدود ۹۰ نقاشی و عکس از این هنرمند پیشکسوت افتتاح می‌شود که در آن ۱۱ دوره هنری او زیر یک سقف به تماشا درمی‌آید که در این میان حداقل یک‌سوم آثار برای نخستین‌بار در معرض تماشای مردم گذاشته می‌شود. حجت شکیبا از پیشگامان سبک هابیرنالیسم (عکس گونه) در نقاشی ایران است که در نیم‌قرن گذشته متدهای مختلف نقاشی را تجربه کرده است. او کارش را در هنرستان و دانشکده هنرهای زیبا با نقاشی انتزاعی آغاز کرد اما بعدها با ارایه نقاشی‌های عکس‌نگاری (هابیرنالیسم)، راهی را آغاز کرد که او را در حافظه نقاشی ایران جاودانه ساخت؛ همکارى او با زنده‌باد «علی حاتمی» در شاهکارهای سینمایی و روزهای تعطیل ۱۴ تا ۱۹ از این آثار دیدن کنند.

هنر

ساحل لاچوردی

فرش قرمز «کن» امروز پهن می‌شود

فرانسه، جشن بی‌پایان

نیما توسلی

● روی فرش قرمز اسمال کن، آمیتا پاچان در پوست خود نخواهد گنجید. جشنواره اسمال با «گتسبی بزرگ» شروع می‌شود. اسمال، مراسم جشن صد سال سینمای هند هم در حاشیه جشنواره برگزار می‌شود. فرش قرمز جشنواره نخبگان سینما در شهر کوچک کن امروز پهن می‌شود؛ شهری که تنها به‌خاطر فروشگاه‌های لوکس و رستوران‌ها و هتل‌های معروفش، که از سال ۱۹۴۶ به‌خاطر برگزاری فاخرترین جشنواره فیلم جهانی معروف شده است. در پوستر جشنواره اسمال دو چهره دیده می‌شوند، «پل نیومن» و همسرش «جوان ودوارد». تصمت‌وششمن جشنواره فیلم کن در حالی شروع به کار می‌کند که «صغر فرهادی» با فیلم جدید خود: «گذشته» از طرف کشور میزبان حضور یافته‌است. در بخش مسابقه اصلی، ۲۰ فیلم از زاین (دو فیلم «مثل پدر، مثل پسر» و «سپری از جنس نی»)؛ چین (فیلم «تماس گناه‌آلود»)، ایتالیا (فیلم «زیبایی فراوان» - مشترک با فرانسه)، چاد (فیلم «گرگبیس» - مشترک با فرانسه)، دانمارک (فیلم «تنها خدا می‌بخشد» - مشترک با فرانسه)، آمریکا (شش فیلم «در پس پرده کاندل‌لبر»، «جیمی پی»، «برابره لوین دیوس»، «هپاجر»، «تنها عاشق‌ها زنده می‌مانند»، و «جبراسکا»)، هلند (فیلم «بورگمن»)، فرانسه (پنج فیلم «فاهید در لباس خز»، «قلعه‌ای در ایتالیا»، «جوان و زیبا»، «ای گرم‌ترین رنگ است»، و «گذشته»)، آلمان (فیلم «مایکل کولهلس» - مشترک با فرانسه) و مکزیک (فیلم «هلی»)؛ برای کسب نخل طلا با هم رقابت می‌کنند؛ هرچند همه فیلمسازان آن فیلم‌ها اهل این کشورها نیستند. تنها نماینده رسمی کشور ایران در این جشنواره «محمد رسول‌اف» است که با فیلم «دست‌نوشته‌های نمی‌سوزند» در بخش توجهات ویژه (un Certain Regard) حضور دارد. بخشی که با فیلم‌Bling Ring the از: «سوفیا کوبولا» شروع به کار می‌کند. از دیگر ایرانیان حاضر در جشنواره فیلم کن می‌توان به «وید دانش» با فیلم «دونت» و «ناهلینا قزوینی‌زاده» با فیلم «سوزن» در بخش سینه فونداسیون اشاره کرد؛ همچنین، فیلم «بیشتر از دو ساعت» اثر «علی اصغری» نیز در بخش فیلم‌های کوتاه نمایش داده می‌شود. «استیون اسپیلبرگ»، رییس هیات داوران در بخش مسابقه اصلی است و از معروف‌ترین داوران این مسابقه می‌توان از: «انگ لی»، «بیکول کیدمن» و «کریستوف والتز» نام برد. یک داور از هند، یک داور از فرانسه، یک داور از ژاپن، یک داور از رومانی و یک داور از اسکاتلند نیز، در تیم ۹ نفره داری قرار دارند. جشنواره از ۱۵ تا ۲۶ ماه می (۲۵ اردیبهشت تا ۵ خرداد) برگزار می‌شود و آخرین



فیلمی که پخش خواهد شد «ژولو» اثر «ژروم ساله» از فرانسه است؛ فیلمی که در بخش غیررقابتی خارج از مسابقه حضور دارد. مراسم افتتاحیه و اختتامیه را «اودری تاتوت» هنریشه فرانسوی برگزار می‌کند. در این جشنواره، از بین کشورهای اروپایی هیچ فیلم مستقل بریتانیایی و آلمانی حضور ندارد. اصلی‌ترین کارگردان زن حاضر در این جشنواره «فالری بارونی ندشلی» (خواجه «کارلا برونی سارکوزی») است که با فیلم «وبایی در ایتالیا» حضور دارد. مراسم خیریه در جشنواره اسمال را «شارون استون» هنرپیشه آمریکایی میزبانی می‌کند و «آنت جکسون» و «ئاومی کمپ بل» هم او را همراهی خواهند کرد. مراسم خیریه سال گذشته به‌بنیاد خیریه «ایزد» که «الیزابت تیلور» راهاندازی کرده، اختصاص داشت.

خبر آخر

جایزه جشنواره جهانی طنز گرافیکی برای ۱۲ ایرانی

● پرشین‌کارتون: عصر شنبه (۲۱ اردیبهشت) قلعه تاریخی «لاور» واقع در مرکز شهر ماروستیکا، میزبان بازدیدکنندگان و برندگان جشنواره جهانی طنز گرافیکی «ومورستی اماروستیکا» بود. شهر توریستی ماروستیکا که در شمال شرقی کشور ایتالیا قرار دارد، همه‌ساله شاهد برگزاری جشنواره‌های متعددی است که «ومورستی اماروستیکا» یکی از مهم‌ترین آنهاست. پیش از این، «گروپو گرافیکو ماروستیکنزه» تیم اجرایی جشنواره- عنوان «Eureka» را بر پیشانی چهل‌وپنجمین سالال برگزاری، و دستمایه هنرمندان سراسر جهان قرار داده بود. بنا بر برنامه مدون هر دوره، گروه داوران متشکل از روس تاسون، مارگریتا الگسری، آنتونیو آنتونه، مارکو تونوز، فروچیو گیرومینی، الساندرو تیچ، ماروزیو مینوگیو و جیووانی سوورچینی، در اواخر ماه مارس گردهم آمده و آثار فراهم‌شده از ۶۲ کشور مختلف را بررسی و برندگان این دوره را مشخص کردند. بر اساس بیانیه منتشرشده این گروه در وب‌سایت رسمی جشنواره، ۱۳ هنرمند از کشورهای بلژیک، ایتالیا، پرتغال، برزیل، ایران، آلمان، و فرانسه موفق به کسب جوایز سال ۲۰۱۲ شدند که در این میان نام حسن کریم‌پزاده و مجتبی حیدرپناه به عنوان برندگان جایزه بین‌المللی «ومورستی اماروستیکا» اعلام و ثبت شده است. «Eureka» و ژانای است که در میان اروپایی‌ها یادآور نام ارشمیدس است و به شادی ناشی از کشف چیزی یا حل مسأله‌ای اطلاق می‌شود.